

پرناز گودرزپرووی*

تاریخ دریافت: ۹۹،۱۲،۲۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰،۱،۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰،۱،۲۹

DOI: 10.22055/PYK.2021.16695

URL: paykareh.scu.ac.ir/article_16695.html

تحلیل SWOT برای ارزیابی یکپارچه سازی آموزش بر خط با رویکرد مشارکتی در

حوزه هنر

چکیده

بیان مسئله: تحلیل SWOT یکی از راهکارهای برنامه ریزی استراتژیک است که برای ارزیابی وضعیت یک برنامه یا راهبرد استفاده می شود و همانطور که از نام آن پیداست نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت ها و تهدیدها را مورد تمرکز قرار می دهد. نقاط قوت توصیف می کنند که کدام یک از وجوه یک موضوع یا کدام بخش از یک سازمان برتری دارد و چه چیزی آن را از رقبا جدا می کند. نقاط ضعف کارآیی یک راهبرد و استراتژی را در سطح مطلوب خود متوقف می کند. فرصت ها به عوامل خارجی مطلوب اشاره می کنند که می توانند یک مزیت رقابتی به استراتژی مورد هدف بدهند. تهدیدها به عواملی اشاره دارد که احتمال آسیب رساندن به سازمان یا راهبردهای آن را دارند. لازم به یادآوری است که از این روش علاوه بر برنامه ریزی راهبردی به طور کلی در تحلیل وضعیت نیز استفاده می شود. در واقع این تحلیل را باید ابزاری کارآمد برای شناسایی شرایط محیطی و توانایی درونی یک سیستم دانست.

هدف: پژوهش پیش رو بر اساس تجربیات جمع آوری شده از وضعیت آموزش برخط در حوزه هنر به ویژه با محتوای عملی است که بر اساس شرایط همه گیری کرونا و محدودیت های ناشی از آن، در کنار آموزش حضوری به عنوان راهبرد کارآمد در عرصه آموزش مطرح و بکار بسته شده است.

روش پژوهش: این تحقیق با جمع آوری پرسشنامه، تحلیل داده ها به صورت غیر مستقیم با هدف اجتناب از ورود سلايق به یافته های پژوهش صورت پذیرفته است. همچنین تحلیل SWOT با استفاده از کاربرد استاندارد چهارگانه انجام شد.

یافته ها: اصلی ترین تمرکز پژوهش بر روی بکارگیری روش های خلاقانه از سوی مدرس برای القاء روح مشارکت فعال و همکاری جهت افزایش تجربه یادگیری دانشجویان بوده است؛ زیرا آموزش مهارت های عملی بجز از مسیر هم افزایی ناشی از مشارکت فعال میسر نیست. نتایج نشان از اهمیت ارزیابی نقاط ضعف و قوت استراتژی در حصول نتایج مطلوب برای شیوه های نوین دارد.

کلیدواژه:

تحلیل SWOT آموزش هنر، آموزش برخط، مشارکت فعال

نویسنده مسئول، استادیار گروه ارتباط تصویری، دانشکده هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران*

p.goodarzarparvari@iauctb.ac.ir

مقدمه

در دو دهه اخیر متخصصین آموزش به این نتیجه رسیده اند که نه تنها برنامه های موجود و برنامه هایی که برای آینده صرف نظر از نوع محیط آموزشی برنامه ریزی شده اند، باید بر اساس بررسی دقیق روندهای آینده جامعه باشد؛ بلکه شیوه های و راهبردهای آموزشی هم نیازمند دگر دیسی ست. در این راستا تجزیه و تحلیل نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدات (SWOT)، چارچوبی را برای مدیران آموزشی فراهم می کند تا در تأمین نیازهای جامعه خود بهتر تمرکز کنند. اگرچه در نگاه اول به نظر می رسد که این شیوه تجزیه و تحلیل برای استفاده در برنامه های تجاری در نظر گرفته شده است، اما ایده استفاده از این ابزار در محیط های آموزشی کاملاً جدید نیست؛ به عنوان مثال، گورسکی (۱۹۹۱) این روش را برای افزایش ثبت نام و مشارکت اجتماعی در آموزش یا در فعال سازی کالج های منطقه ای پیشنهاد کرد. این شیوه تحلیلی، از آن دسته ابزارهای مدیریتی ست که در ابتدا برای صنعت در نظر گرفته شده، اما به دلیل شباهت های اساسی در وظایف اداری و مأمورین اجرایی مربوطه، اغلب می توانند برای استفاده در حوزه آموزش و نیز بهره گیری شود. این راهبرد یک ابزار کلی است که برای استفاده در مراحل مقدماتی تصمیم گیری و پیش درآمد برنامه ریزی استراتژیک در انواع مختلف برنامه ها طراحی شده است. بنابراین در صورت استفاده صحیح، برای یک ساختار آموزشی، به ویژه در تحلیل روش های آموزش، می تواند تصویری از وضعیت فعلی ساختار در رابطه با جامعه هدف، سایر مجامع و اتمسفرهایی که دانشجویان آن وارد آن می شوند، بدست دهد. درک عوامل خارجی (شامل تهدیدها و فرصت ها) همراه با بررسی درونی نقاط قوت و ضعف در شکل گیری چشم انداز آینده و تصمیم گیری مناسب کمک می کند. چنین آینده نگری با توجه به اهمیت ارزیابی سریع شیوه های آموزش، به تعیین تکلیف در رد یا تأیید یک شیوه در بازه زمانی کوتاه بدل می شود و متولیان آموزش را به کشف برنامه های شایسته و جایگزینی برنامه های زائد و بی ربط با برنامه های ابتکاری و مرتبط رهنمون می شود. اولین گام در تجزیه و تحلیل SWOT، ایجاد چهار بخش (ربع تحلیل) برای نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدهاست. در ارائه ساختار، عینیت، وضوح و تمرکز بر بحث در مورد استراتژی بسیار واجد اهمیت است زیرا در غیر این صورت ممکن است منجر به گمراهی شود یا اینکه تحلیل به شدت تحت تأثیر سیاست و شخصیت پذیری قرار گیرد. لازم به ذکر است که هنگام کار گروهی در محیط های آموزشی، سه نگرش متمایز (مثبت- مشارکتی، منفی- غیر مشارکتی و خنثی- بلا تکلیف) مورد توجه قرار می گیرد. هدف اصلی در این پژوهش، تلفیق آموزش برخط با آموزش مشارکتی هنر با استفاده از برخی از رویکردهای نظری است. یکی از این رویکردها آموزش مشارکتی است. رویکرد آموزش مشارکتی که بطور معمول در سایر بخش ها یا رشته های آموزشی به کرات مورد استفاده قرار می گیرد، به منظور ارتقا ارتباط بین دانشجویان حوزه هنر استفاده شده است. در واقع، دلیل اصلی در انتخاب این رویکرد نظری کاهش تأثیر کامپیوتر، منفرد سازی دانشجو و افزایش تأثیر پذیری متقابل بین دانشجویان در کلاس است. از این نظر، آموزش هنر اساساً عنصری برای وحدت رویکرد آموزش برخط و مشارکتی است. بنابراین، اثر میان رشته ای این استراتژی مورد هدف قرار گرفته است. به همین دلیل استفاده از کلاس برخط و درس رایانه ای در آموزش هنر، پایه و اساس برنامه ریزی و آماده سازی برای آموزش است.

روش پژوهش

این پژوهش در درس ارتباط تصویری ۲ در مقطع کارشناسی ارشد پیاده سازی شده است. پروژه بخش عملی این درس، طراحی یک وبگاه در یک حوزه تخصصی تعریف شده بود که این پژوهش در مسیر آموزش عملی و اجرای پروژه مربوط به آن صورت پذیرفت. در ابتدای هر چرخه تحقیق، با استفاده از آراء دانشجویان و بدون طرح ریزی مستقیم که منجر به جهت گیری در پاسخها شود، یک پرسشنامه مشخصات تکمیل شد. بر اساس نتایج این پرسشنامه، دانشجویان به صورت برنامه ریزی شده و نامحسوس به گروههایی تقسیم شدند تا در آن گروهها بر روی یک تکلیف مشارکتی و گروهی برخط همکاری کنند. تمام ارتباطات این تکلیف باید به صورت برخط انجام می شد. از آنجا که بازخورد مرحله مهمی از روش تحقیق مبتنی بر پرسش عملی است که دنبال می شود، دانشجویان با استفاده از یک تکلیف اضافی مستقیماً در مرحله بازخورد شرکت داشتند. این امر به صورت یک بحث برخط گروهی ناهمگون انجام شد تا دانشجویان بتوانند در مورد جنبه های مثبت و منفی همکاری برخط در گروه خود تأمل، بحث و بررسی کنند. آنها همچنین باید در مورد چگونگی افزایش کیفیت تجربه همکاری برخط پیشنهاداتی ارائه می دادند. از آنجا که هر دو چرخه تحقیق تعداد زیادی دانشجو را با توجه به مقطع تحصیلی شامل می شد (به ترتیب ۱۵ و ۱۷ نفر)، مقدار زیادی بازخورد دریافت شد. لازم به ذکر است که با توجه به هدف پژوهشگر در پیش برد نامحسوس روند بازخوردگیری که در واقع تلاشی برای هر چه نزدیک کردن نتایج به برداشتهای واقعی دانشجویان بود، فرآیند دریافت نتایج بعضاً با وقفههایی همراه بوده است.

پیشینه پژوهش

در ارزیابی آموزش برخط با استفاده از راهبرد تحلیل SWOT پژوهشهایی انجام شده است. از آن جمله، «بررسی و ارزیابی وضعیت در زمینه یادگیری برخط و ترکیبی در رشته های علوم بازرگانی» با هدف ارزیابی وضعیت این حوزه و شناسایی فرصتها برای تحقیقات معنادار در آینده است. نتایج نشان داده که حجم و کیفیت تحقیقات در آموزش تجارت آنلاین و ترکیبی طی دهه گذشته به طرز چشمگیری افزایش یافته است. با این حال، میزان پیشرفت در بین رشتهها تا حدودی نابرابر است (Arbaugh, 2009, 71). «استراندوا و ورنیک» (۲۰۱۵) اثربخشی پروژه ای برخط تحت عنوان «اولین گام» را با مشارکت بیش از شش هزار دانشجوی سال اول در سالهای ۲۰۱۲-۲۰۱۴ مورد بررسی قرار داده اند. هدف از این تحقیق اثبات مفید بودن پروژه و رضایت دانشجویان از آن ذکر شده است. روشهای بررسی پرسشنامه کمی و تجزیه و تحلیل کیفی SWOT در این مقاله استفاده شده است. همچنین «تریپاتی و دراپامالی» (۲۰۲۱) نیز یک استارت آپ آموزش برخط را بررسی کرده اند که گرایشهای جدیدی را در زمینه آموزش به ارمغان آورده است؛ به ویژه آموزش الکترونیکی از طریق کلاسهای بصری، ویدئویی و صوتی برای کلاسهای ۴ تا ۱۲ به ویژه برای موضوعات ریاضی و علوم. آنها همچنین به مقایسه سوژه هدف با نمونه های رقیب همراه با تجزیه و تحلیل SWOT آنها پرداخته اند.

مبانی نظری ساختار تحلیلی SWOT

تجزیه و تحلیل SWOT در قالب یک ساختار چهار وضعیتیتی معرفی و ارائه می شود. این چیدمان بصری یک مرور کلی از موقعیت سازمان یا موضوع مورد هدف را به دست می دهد. اگرچه ممکن است همه نکات تحت عنوان

خاصی از اهمیت یکسانی برخوردار نباشد؛ اما همه آن‌ها باید بینش‌های کلیدی در مورد توازن فرصت‌ها و تهدیدها، مزایا و معایب و موارد دیگر را نشان دهند. هر چند ایده‌های نخست برای بکارگیری تجزیه و تحلیل SWOT در حوزه ارزیابی کسب و کار مورد توجه قرار گرفت. اما اکنون این رویکرد اغلب توسط ساختارهای خصوصی و دولتی، مؤسسات غیرانتفاعی و افرادی از جمله سرمایه‌گذاران و کارآفرینان استفاده می‌شود. در ادامه خلاصه‌ای از چهار وجه این تجزیه و تحلیل ارائه می‌گردد:

۱. **نقاط قوت:** توصیف می‌کنند که کدام یک از وجوه یک موضوع یا کدام بخش از یک سازمان برتری دارد و چه چیزی آن را از رقبا جدا می‌کند: یک برند قدرتمند، وفادار به مشتری، ترازنامه قوی، فناوری منحصر به فرد و غیره.
۲. **نقاط ضعف:** عملکرد سازمان یا کارایی یک راهبرد و استراتژی را در سطح مطلوب خود متوقف می‌کند. آن‌ها مناطقی هستند که برای حفظ رقابت، لازم است: یک نام تجاری ضعیف، گردش مالی بالاتر از متوسط، سطح بالای بدهی، زنجیره تأمین ناکافی یا فقدان سرمایه، از جمله این موارد هستند.
۳. **فرصت‌ها:** به عوامل خارجی مطلوب اشاره می‌کنند که می‌توانند یک مزیت رقابتی به استراتژی مورد هدف بدهند.
۴. **تهدیدها:** به عواملی اشاره دارد که احتمال آسیب رساندن به سازمان یا راهبردهای آن را دارند. به عنوان مثال، خشکسالی تهدیدی برای یک شرکت تولید گندم است، زیرا ممکن است باعث از بین رفتن یا کاهش عملکرد محصول شود. سایر تهدیدات رایج شامل مواردی مانند افزایش هزینه مواد، افزایش رقابت، عرضه شدید نیروی کار و غیره هستند.

آموزش برخط از منظر SWOT

غیرقابل انکار است که فناوری جنبه‌های مختلف زندگی ما را به روش‌های دیگری از جمله آموزش تغییر داده است. این فرصت جدیدی را برای مدرسان جهت ارائه برخط مفاهیم آموزشی به صورت شخصی و ایجاد یک شیوه جدید درآمدزایی فراهم کرده است. این امر به طور خاص در قالب آموزش برخط صادق است. مدرسان نه تنها می‌توانند فیلم‌های آموزشی را بفروشند، بلکه می‌توانند از اینترنت به عنوان بستر آموزش استفاده کنند. یکی از نقاط قوت آموزش برخط انعطاف پذیر بودن آن است. مدرس می‌تواند مطالب آموزشی را بصورت برخط ارائه نموده، طبق برنامه خود تدریس کند. در این رویکرد یک کار منظم روزانه وجود ندارد و می‌توان به طور منعطف کار نمود، این شیوه فرصت‌های مختلفی را برای خلاقیت در رویکردها فراهم می‌کند. از طریق آموزش برخط، به راحتی می‌توان مشاغل بیشتری را به دست آورد، و مدرس محدود به کار با یک سازمان نیست. البته برخی اشکالاتی نیز وجود دارد که با آموزش برخط مرتبط است. به عنوان مثال، فناوری می‌تواند برای برخی ناامید کننده باشد، به ویژه برای مدرسان قدیمی که به رویکردهای سنتی عادت دارند. ارائه دوره‌های آموزشی به صورت برخط، ممکن است در انتها مزایایی را که به طور طبیعی هنگام کار در یک موسسه آموزشی واقعی وجود دارد، حاصل نسازد. همچنین هیچ تعامل شخصی با دانشجویان وجود ندارد که باعث می‌شود تدریس بسیار متفاوت باشد. ضمن اینکه آموزش و سنجش مهارت‌های عملی، بسیار پیچیده است. آموزش برخط می‌تواند درهای زیادی را باز کند، خصوصاً برای رشد شغلی. فراتر از تدریس، می‌توان مطالب آموزشی را نیز در قالب بسته‌هایی به فروش رسانید، به دانشجویان اجازه داده می‌شود حتی در صورت عدم نظارت، با سرعت مطلوب خود یاد بگیرند. از نظر مالی، فرصت‌هایی برای کسب درآمد بیشتر نیز وجود دارد البته معمول نیست که مدرسان برخط چندین شغل را بر

عهده بگیرند. همچنین تعداد سیستم عامل هایی که می توانند برای آموزش برخط استفاده شوند، مداوم در حال تحول و رشد هستند. افراد در حال شناخت مزایای آموزش برخط روز به روز در حال گسترش است، به همین دلیل رقابت را می توان تهدیدی مهم دانست. کسانی که مایلند آموزش شخصی خود را به صورت برخط ارائه دهند، مستقل از فضای رقابتی هستند. همچنین، برخی از دانشجویان هستند که به دلیل ترس از اینکه آموزش برخط اثربخشی بالایی نخواهد داشت، حاضر به یادگیری به سبک کلاس نیستند.

تحلیل SWOT رویکرد کنونی

اولین قدم تجزیه و تحلیل جنبه های مثبت و منفی همکاری برخط بود که توسط دانشجویان در بازخوردهایشان مشخص شده و ترکیب این نظرات در یک تجزیه و تحلیل SWOT بود. نقاط قوت، ضعف، فرصت ها و تهدیدهای شناسایی شده در جدول ۱ ذکر شده است.

جدول ۱. دستاوردهای تحلیل SWOT. منبع: نگارنده

نقاط قوت	فرصت ها
<ul style="list-style-type: none"> - مشارکت فعال تشویق می شود. - تک تک دانشجویان برای موفقیت در انجام کار به گروه وابسته هستند. نیازی به احساس انزوا نیست. - اضطراب کمتر برای دانشجویان خجالتی. - نتایج مازول با موفقیت به دست آمد. - در تنظیم جلسات رو در رو هیچ وقت تلف نشده است. - همکاری دانشجویی تشویق می شود. - بار کاری بین دانشجویان تقسیم شده است. 	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد مهارت های مشارکتی لازم برای کارهای بعدی. - حصول ارتباط مثبت در جایی که اعضای گروه پاسخ های به موقع را ارسال کردند. این امر می تواند به تقویت گروه کمک کند. - آشنایی با افراد جدید - تقویت روابط شخصی تعامل اجتماعی. - تحریک فعالیت. - تحریک انگیزه.
نقاط ضعف	تهدیدها
<ul style="list-style-type: none"> - همه گروه ها به صورت تیمی با هم کار نمی کردند. - تصمیمات بعضاً بدون رضایت اعضای گروه گرفته شده است. - افراد غیرفعال و غیر شرکت کننده تأثیر منفی مستقیم بر روی گروه دارند. (فشار روی گروه می گذارند، کار گروهی را به تأخیر می اندازند). - عدم تماس رو در رو بین اعضای گروه. - عدم پاسخ فوری به دلیل ماهیت ناهمگام بحث ها که در این حالت روشن کردن مسائل گروه دشوار است. 	<ul style="list-style-type: none"> - اقدامات (عدم اقدام) افراد می تواند انگیزه دیگران را از بین ببرد. - عدم رعایت چارچوب و مشخصات تکلیف. - الزام دسترسی به اینترنت. - عدم دانش الکترونیکی . - کمبود علاقه. - عدم برنامه ریزی از طرف دانشجویان. - نداشتن «مهارت های گروهی» لازم. - عدم تمایل به شرکت و کار گروهی. - عدم تمایل به کار در گروه های ناآشنا و متنوع.

بحث و بررسی تحلیل SWOT

رویکرد همکاری برخط، مجموعه ای جذاب از نقاط قوت را که توسط خود دانشجویان مشخص شده است، ارائه می دهد. آن ها از طریق تعاملات ناهمزمان نه تنها در حال برقراری ارتباط و سرگرمی بودند، بلکه (ناآگاهانه) در تجارب یادگیری خود نیز مشارکت فعال جستند (Browne, 2003, 245). اگرچه این یک کار مشترک با

محدودیت‌های زمانی ناشی از برنامه‌ریزی یک نیمسال تحصیلی برای گروهی خاص بود، اما هر فرد می‌تواند طبق برنامه خودش تعامل کند و مسئولیت‌های فردی را انجام دهد. عضویت در یک گروه به این معنی بود که دانشجویان هرگز مجبور به لمس احساس انزوا نمی‌شوند (Fisher, 2003, 227) آن‌ها یک کانال ارتباطی داشتند که از طریق آن می‌توانستند در صورت لزوم درخواست کمک کنند یا مشوق یکدیگر باشند. حتی با اینکه حجم کار فردی کاهش یافته بود، دانشجویان موفق به دستیابی به نتایج مازول برنامه‌ریزی شده گشتند. علاوه بر این، هیچ زمانی برای برنامه‌ریزی جلسات حضوری تلف نشد. ماهیت ناهمزمان بحث‌ها همچنین به این معنی بود که دانشجویان قبل از شرکت در آن‌ها وقت تأمل و تفکر دارند، که می‌تواند باعث اضطراب کمتری برای دانشجویان با تسلط کمتر گردد. اگرچه برخی از نقاط ضعف (به عنوان مثال عدم تماس رو در رو) خیلی جدی نیستند و به راحتی قابل رفع هستند، اما در صورت رفع نشدن در کارهای بعدی، برخی از نقاط ضعف مشخص شده می‌تواند تأثیر منفی داشته باشد. به محض این که افراد با رعایت نکردن مهلت‌ها و مشخصات، پروژه را به تأخیر بیندازند، بقیه اعضای گروه ناامید شده و علاقه خود را برای ارایه پروژه و دستاوردهای حاصل شده از دست می‌دهند. این می‌تواند منجر به عدم توانایی گروه در انجام موفقیت آمیز تکلیف شود، که حاصل آن یک تلاش مشترک ناموفق خواهد بود.

فعالیت مشارکتی برخط در حوزه آموزش بخش عملی هنر

پیشرفت‌های تکنولوژیکی امروزه منجر به ظهور ابزارهای مختلف و استفاده از آن‌ها در آموزش شده است که به نوبه خود از نظر خصوصیات ساختاری و آموزشی خود به محیط آموزشی کمک کرده و در نتیجه گرایش‌های جدید آموزشی را فراهم می‌کند. این ابزارها برای بهبود، ماندگاری و کارایی در یادگیری تولید شده‌اند و برای استفاده بهینه از آن‌ها، ترجیح داده شده است که راهبردهای چند رسانه‌ای با ابزارهای مختلف مبتنی بر فناوری‌های نوین بیشتر از کلاس‌هایی مورد توجه باشد که در آن‌ها صرفاً از یک ابزار واحد استفاده می‌شود. تحقیقات و ایده‌ها در زمینه‌هایی مانند محیط آموزشی و استفاده از فناوری در آموزش نشان می‌دهد که استفاده از ابزارها، نرم افزارها و راهبردهای چند رسانه‌ای یک ضرورت مشترک در همه سطوح آموزش است. فرصت‌های ارائه شده توسط یک فعالیت مشترک برخط شبیه مواردی است که در پژوهش‌های مختلف معرفی شده‌اند. چنین فعالیتی این امکان را دارد که به شرکت کنندگان فعال در بهبود تفکر انتقادی و همچنین مهارت‌های خود در حل مسئله، کار تیمی، مذاکره، تصمیم‌گیری گروهی و مدیریت وظایف کمک کند (Macdonald, 2003, 377). فعالیت‌های مشترک همچنین می‌تواند به ارتقا سطح عمیق‌تری از دانش، ابتکار عمل و تفکر مرتبه بالاتر کمک کند (Pallo & Pratt, 2001, 125). مشارکت فعال نه تنها به افزایش تعاملات اجتماعی و تقویت تعاملات شخصی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به تحریک فعالیت و انگیزه در بین اعضای گروه نیز کمک کند. مزیت عمده دیگر این است که شرکت کنندگان فرصت توسعه مهارت‌هایی را که در تکالیف مشارکتی آینده به آن‌ها نیاز خواهند داشت، دریافت می‌کنند (Macdonald, 2003, 377). کلاس‌هایی که در آن‌ها روش‌های سنتی به کار می‌رود، نمی‌توانند انگیزه شخصی را در دانشجویان ایجاد کنند. از آنجا که فعالیت مشترک برخط انگیزه‌ای برای سبک‌ها و توانایی‌های مختلف یادگیری فراهم می‌کند، یادگیری به سبک شخصی را برای دانشجویان امکان‌پذیر می‌کند و بنابراین از شخصی سازی یادگیری پشتیبانی می‌کند (Orhan, 2002, 68).

برخی از تهدیدهای شناسایی شده (جدول ۱) این احتمال را دارد که هرگونه تلاش مشترک را از بین ببرد، همانطور که در پژوهش‌های دیگر نیز نشان داده شده است. عنصر مهم هر همکاری، مشارکت فعال همه شرکت کنندگان است (Kidney & Puckett, 2003, 203). در صورت عدم تمایل شرکت کنندگان به تجربه همکاری، حصول مزایای ناشی از اکثر نقاط قوت و فرصت‌های ذکر شده بعید به نظر می‌رسد. دلایل بی شماری وجود دارد که ممکن است شرکت کنندگان تمایلی به شرکت در یک راهبرد مشارکت جمعی نداشته باشند. این می‌تواند از عدم رضایت از گروهی که در آن جانمایی شده اند، یا عدم علاقه به مقابله با مشکلات یا کمبود مهارت‌های لازم در همکاری باشد. در حالی که برخی از دانشجویان فقط مایل به همکاری با افرادی هستند که آن‌ها را می‌شناسند، برخی دیگر ترجیح می‌دهند که به تنهایی کار کنند زیرا احساس می‌کنند گروه آن‌ها را عقب نگه می‌دارد. در بررسی تأثیرات استفاده از ابزارهای چندرسانه‌ای، یکی از اصلی‌ترین دلایل عمده عدم تمایل، اختلاف دانشجویان از نظر وضعیت علمی است. این احتمال نیز وجود دارد که افراد ممکن است در مورد این همکاری احساس بسیار مثبتی داشته باشند، اما به محض اینکه بدانند این چیزی نیست که پیش بینی کرده‌اند، علاقه خود را از دست می‌دهند. بدیهی است که اقدامات (یا فقدان آن‌ها) از شرکت کنندگان به راحتی می‌تواند به عنوان عامل شکل‌گیری انگیزه یا بی‌انگیزگی برای بقیه افراد باشد. به نظر می‌رسد عدم برنامه‌ریزی استراتژی مناسب گروه بزرگ‌ترین تهدید در این زمینه باشد. به طور کلی نقاط قوت و فرصت‌های این رویکرد همکاری برخط می‌تواند یک پیشرفت اساسی در تجربه یادگیری باشد، در حالی که عدم آگاهی از نقاط ضعف و تهدیدهای شناسایی شده می‌تواند منجر به شکست شود. به منظور ایجاد یک محیط همکاری برخط مؤثر و کارآمد، طراحی روش‌هایی برای از بین بردن یا به حداقل رساندن تأثیر این عوامل بسیار مهم است.

عوامل مؤثر بر ارتقا سطح مشارکت سازنده و فعال

دانشجویان پیشنهادهاى مختلفی برای بهبود تکالیف مشارکتی در آینده ارائه دادند. پیشنهادات به سه دسته تقسیم شدند، یعنی پیشنهادهایی برای افراد، برای گروه و مدرس دوره. پیشنهادات اصلی برای هر دسته در جدول ۲ ذکر شده است. مهم است که استراتژی مشارکتی پیشرفته حول نقاط قوت فعلی طراحی شده و در عین حال تحرکات دفاعی جذابی را برای بهبود نقاط ضعف ذکر شده و کاهش تأثیر تهدیدهای شناسایی شده ارائه دهد. وقتی یادگیری در یک محیط یادگیری ترکیبی صورت می‌گیرد، مدرس این امکان را دارد که بهترین جنبه‌های حالت برخط و رو در رو را برای شکل دهی یک برنامه آموزش عملی ایده آل تلفیق کند. اگرچه رویکرد همکاری برخط نقاط قوت مختلفی دارد، اما با ترکیب آن با برخی تعاملات رو در رو می‌توان آن را بیشتر تقویت کرد. متأسفانه عمده دانشجویان تجربه زیادی در زمینه مشارکت ندارند و در اکثر موارد از تأثیر مثبتی که می‌تواند در تجربه یادگیری آن‌ها داشته باشد مطلع نیستند. دانشجویان باید از نقاط قوت و فرصت‌های همکاری و چگونگی کمک به ارتقاء تجربه یادگیری شان آگاه شوند. آن‌ها همچنین باید یاد بگیرند که چگونه با همسالان خود تعامل برخط داشته باشند. گفتگو و تبادل نظر حضوری مکانی ایده آل برای چنین جهت‌گیری است (Fisher, 2003, 227) استفاده از ابزارها و نرم افزارهای چندرسانه‌ای روش یادگیری نظام مندتری را پیشنهاد می‌کند و همزمان دانشجویان بیشتری را مخاطب قرار می‌دهد (Gunter, 1994, 35). مدرس این فرصت را خواهد داشت که دانشجویان را تشویق کند (Kelly, 2004, 53) و گروه‌ها را در مورد چگونگی نزدیک شدن به اهداف مورد وظیفه شان راهنمایی کند؛ بر

جنبه‌های خاصی تأکید کند که باید مورد توجه قرار گیرند؛ و استراتژی ارزیابی را توضیح دهد (Fisher, 2003, 227). جلسه جهت‌گیری همچنین می‌تواند برای چیدمان سازمان گروه‌ها و فرصت دادن به دانشجویان برای دیدار رو در رو با اعضای گروه خود استفاده شود.

جدول ۲. پیشنهادهایی برای تکالیف مشارکتی آینده. منبع: نگارنده

برای دانشجویان به صورت منفرد	برای گروه‌ها	برای مدرسین
<ul style="list-style-type: none"> - مشارکت منظم. - آماده سازی از قبل. - مسئولیت فردی. - صبر در برابر شرایط محیطی ناهمگون. - اعتماد به نفس برای صحبت کردن و درخواست کمک 	<ul style="list-style-type: none"> - جلسات ارتباط برخط بصورت منظم و بهبود یافته. - زمان بندی جلسات حضوری. - برنامه ریزی جلسات برخط همزمان. - تدوین استراتژی گروهی. - یادگیری از اشتباهات. 	<ul style="list-style-type: none"> - «مشاهده» شدن بیشتر در فضای برخط. - آرایه بازخورد فردی به گروه‌ها. - مشارکت دادن دانشجویان در سازماندهی گروه‌ها. - ابتکارات افزایش مشارکت. - آموزش دانشجویان برای استفاده از انجمن‌های بحث و گفتگو. - بحث‌های بیشتر در کلاس درباره تعیین تکلیف. - فرصت سازی برای ارزیابی مقدماتی در حین فرایند آموزش

اگر گروه‌ها با برنامه‌ریزی مناسب نسبت به طراحی راهبرد عملی خود اقدام کنند و اگر همه دانشجویان خود را ملزم به مشارکت برخط به موقع و منظم بدانند، می‌توان بسیاری از نقاط ضعف و تهدیدهای شناسایی شده را برطرف کرد (Kelly, 2004, 53) پیشنهاد می‌شود که گروه‌ها از یک جلسه جهت‌گیری رو در رو برای بحث در مورد مشخصات پروژه مورد تکلیف، انتخاب یک رهبر گروه، برنامه ریزی رویکرد خود و توافق در مورد مهلت‌های گروهی استفاده کنند. در ابتدا، آن‌ها یک استراتژی گروهی طراحی خواهند کرد که باید به صورت کتبی تنظیم و توسط همه اعضای گروه امضا شود. این آیین نامه رفتار، به عنوان قراردادی بین اعضای گروه عمل می‌کند و همچنین باید انتظاراتی را که از هر یک از اعضای گروه در رابطه با مشارکت فعال و مسئولیت فردی انتظار می‌رود، نشان دهد. این آیین نامه رفتاری ممکن است نه تنها فعالیت و انگیزه گروه را تحریک کند، بلکه میزان تعهد اعضای گروه را نسبت به تحقق اهداف تکلیفی افزایش دهد.

متأسفانه به دلایل تربیتی و ضعف آموزش پایه، بسیاری از دانشجویان فاقد مهارت‌های لازم برای موفقیت در یک محیط مشارکتی هستند. در نتیجه محدودیت‌های زمانی، دانشجویان ممکن است فرصت‌های محدودی برای توسعه مهارت‌های لازم برای موفقیت در یک محیط مشترک داشته باشند. یکی از راهکارها این است که برای تمرین این مهارت‌ها به آن‌ها فرصت داده شود تا در بحث‌ها یا کارهای گروهی کوچک شرکت کنند. اگرچه این بحث‌ها وظایف مربوط به موضوع کلاس است و نه به یک وظیفه مشارکتی خاص، دانشجویان فرصت‌های بیشتری را برای تعامل با اعضای گروه خود و تمرین مهارت‌های همکاری خود دریافت می‌کنند. این می‌تواند به گروه‌ها کمک کند تا یک جامعه یادگیری تشکیل دهند (Pallot & Pratt, 2001, 125). که احتمالاً مهارت‌های همکاری برخط آن‌ها را بهبود می‌بخشد. علاوه بر این، اقدامات مختلفی وجود دارد که مدرس می‌تواند برای افزایش تجربه همکاری مشارکتی انجام دهد. بخش خاصی از هر جلسه حضوری را می‌توان به بحث و پاسخ به سؤالات گروهی

در مورد تکلیف مشارکتی اختصاص داد. در نتیجه سهولت دسترسی به اطلاعات، بار بزرگی را از دوش مدرس برمی دارد و فرصت های ارتباط شخصی با دانشجویان ایجاد می شود (Gunter, 1994, 35). مدرس همچنین باید متعهد باشد که در مراحل مختلف پیشرفت پروژه، احتمالاً از طریق شرکت در بحث های گروهی برخط، به هر گروه بازخورد فردی دهد. به عنوان راهبرد افزایش انگیزه برای گروه ها، به گروهی که بالاترین نمره را برای تکلیف مشترک بدست می آورد می توان فرصت ارائه محصول نهایی پروژه خود را در کل کلاس داد. به عنوان بخشی از ارزیابی، به اعضای گروه باید فرصت داده شود تا ارزیابی خود از مشارکت اعضای گروه را انجام دهند.

نتیجه

این پژوهش با رویکردی کاملاً مبتنی بر واقعیت های عملی نشان داد که استفاده از بازخورد دانشجویان می تواند منجر به افزایش فعالیت های همکاری برخط شود. هنگام کار با گروه متنوعی از دانشجویان، یک رویکرد ترکیبی برای تکالیف مشترک می تواند به افزایش سطح تعامل دانشجویان کمک کند. به دانشجویان این فرصت داده می شود که به طور منظم با هم آموزان خود تعامل داشته باشند، در حالی که آن ها همچنان به طور فعال در تجربه یادگیری مبتنی بر فناوری های پیشرفته شرکت می کنند. یافته های فردی و اجتماعی در مورد استفاده از ابزارها و نرم افزارهای چندرسانه ای مطابق با داده هایی است که در مبانی نظری و کاربردی در مورد گذار از یادگیری مبتنی بر مدرس به رویکرد ایجاد فضای یادگیری چند رسانه ای مبتنی بر اینترنت ارائه شده است. در رویکردهای نوین آموزش مهارت های عملی هنر، استفاده تعاملی از مواد و ابزارهای آموزشی با برنامه ریزی تعاملی محیط آموزشی جایگزین شده است، زیرا رویکرد ساخت گرایی، که دانشجویان و تعامل بین آن ها را در پیش زمینه قرار می دهد، شروع به ایفای نقشی فعال و کارآمد در سیستم آموزش هنر نموده است.

پی نوشت

1. S: strengths .W: weaknesses .O: opportunities .T: threats
2. On-line

منابع

- Arbaugh, J. B.; Godfrey, M. R.; Johnson, M.; Pollack, B. L.; Niendorf, B. & Wresch, W. (2009). Research in online and blended learning in the business disciplines: Key findings and possible future directions. *The Internet and Higher Education*, 12, 71– 87.
- Browne, E. (2003). Conversations in cyberspace: a study of online learning. *Open Learning*, 18(3), 245-259.
- Fisher, M. (2003). Online collaborative learning: Relating theory to practice. *Journal of Educational Technology Systems*, 31(3), 227-249.
- Finegold, M., & Gorsky, P. (1991). Students' concepts of force as applied to related physical systems: A search for consistency. *International Journal of Science Education*, 13(1), 97-113.
- Kelly, H. (2004). Enhancing interpersonal interaction in online courses. *educational technology*, 44(1), 53-55.
- Kidney, G.W. & Puckett, E.G. (2003). Rediscovering first principles through online learning. *Quarterly Review of Distance Education*, 4(3), 203-212.
- Macdonald, J. (2003). Assessing online collaborative learning: process and product. *Computers & Education*, 44(4), 377-391.

- McLoughlin, C. (2000). Beyond the effect: Investigating the quality of student learning online. (Retrieved 10 April) from: <http://www.scu.edu.au/schools/sawd/moconf/mocpapers/moc16.pdf>.
- Pallof, R.M. & Pratt, K. (2001). *Lessons from the cyberspace classroom: The realities of online teaching*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Strnadová, V., & Voborník, P. (2015). Effective online education system for first year students at the university. *International Symposium on Educational Technology (ISET)* (pp. 35-39). IEEE.
- Tripathy, S., & Devarapalli, S. (2021). Emerging trend set by a start ups on Indian online education system: A case of Byju's. *Journal of Public Affairs*, 21(1), e2128.
- Van Eijl, P. & Pilot, A. (2003). Using a virtual learning environment in collaborative learning: criteria for success. *Educational Technology*, 43(2), 54-56.



© 2021 Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

